



۲۰۱۶/۱۲/۲۷



حمید انوری



ششم جدی ۱۳۵۸

"مرحله نوین" یا تجاوز ننگین!؟

کودتاجیان ثور، تجاوز ننگین روس بر افغانستان را "مرحله نوین انقلاب برگشت ناپذیر ثور" نامیدند، یعنی نه تنها اینکه کودتای خونین و ننگین ثور را "انقلاب" گفتند، بلکه تجاوز بی شرمانه عساکر یرغلگر و بی همه چیز روسی بر سرزمین آزاده ما را "مرحله نوین" همان کودتای خونین خویش نامیدند و به آن تجاوز وحشیانه افتخار کردند و باری یکی از این پادوان بی مقدار روس به این کمترین با تبختر میگفت "اگر افغانستان یکی از جمهوریت های اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی گردد، افتخار بزرگی برای ما خواهد بود".

حزب منفور "دیموکراتیک خلق" البته که این خیال خام و این بی ننگی تاریخ را باخود به گور برد و رهبران بی خرد شان با یک مشت پیروان کور، کر و گنگ و بی وجدان شان به زباله دان تاریخ سپرده شدند.

"حزب دیموکراتیک خلق" که نه حزب بود و نه بوئی از دیموکراسی برده بود و نه هم کوچکترین پیوندی با خلق داشت، بعد از غصب خونین قدرت، یکشبه به اصل خود برگشتند و خلقی ها و پرچی ها بجان همدیگر افتادند و هر شاخه، شاخه دیگر را تاپه جاسوس (سی آی ای) و نوکر (امپریالیزم) میزدند، اما خود خوب میدانستند که هر دو دروغ میگویند و هر دو شاخه جاسوسان بی مقدار روس اند و کشور آبائی ما را دو دسته تسلیم متجاوزین روسی نموده اند.

کودتای ننگین و خونین هفتم ثور ۱۳۵۷ دیگر وارد مرحله ننگین تر خود شد و بیشتر از یکصد هزار نظامیان روسی تا دندان مسلح از زمین و هوا بر کشور زیبای ما هجوم آوردند و خاک پاکش را به توبره کردند.

و اما همین خلقی ها و پرچمی ها از یک جانب دست به کشتار وحشتناک هموطنان بی گناه و بی دفاع ما زدند و از جانب دیگر بازار جاسوسی و خود فروشی را در حزب منفور و متروود خود چنان رونق دادند که سگ از سایه اش وحشت داشت.

از جانب دیگر این مقلدان شرف باخته و وجدان فروخته به تقلید از اربابان روسی خود، سازمان های حزبی، کمیته های شهری و ولایتی، کمیته مرکزی، شورای انقلابی و ...، ایجاد کردند و در تلاش شدند تا با هزار خدعه و فریب و تهدید و تخویف و نیز با پیشکش نمودن پول و قدرت و چوکی و مقام، مردم افغانستان را به حزب خویش جذب نمایند تا به اربابان روسی خود ارقام و احصائیه های دروغین را پیشکش نموده و چنان نشان دهند که گویا اکثریت مردم افغانستان یا به آن حزب پیوسته اند و یا هم به آن حزب نظر نیک و همکاری دارند ...، اما غافل از آنکه نه تنها مردم شریف افغانستان، بلکه سنگ و چوپ این مرز و بوم هم به این میهن فروشان و هم به اربابان متجاوز روسی شان نفرین میفرستند و هرگز به چنین خفتی تن در نمی دادند و هرگز هم ندادند و نمی دهند.

ششم جدی ۱۳۵۸ در تاریخ افغانستان از یک جانب یک روز سیه و نحس است و از جانب دیگر هم یک روز امتحان و مقاومت در برابر متجاوزان بود و مردم شریف افغانستان با بهای عظیمی از این امتحان تاریخی پیروز بدر آمدند. (اینکه پیروزی در میدان جنگ را دور میز سیاست و قدرت باختند، قصه ایست جدا.)

[... در مورد مصارف جنگ اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان و آمار دقیق تلفات افغان ها ارقام دقیقی در دست نیست. آنچه در پی می آید، ارقامی است که در منابع غربی و روسی در مورد این جنگ ده ساله ذکر شده است.

ارقام رسمی شوروی

- بین سال های ۱۹۷۹ و ۱۹۸۹ جمعاً ۶۲۰ هزار سرباز شوروی در افغانستان وظیفه انجام دادند.
- از این جمع رقم مجموعی سربازانی که همزمان در افغانستان مستقر بودند، میان ۸۰۰۰۰ تا ۱۰۴۰۰۰ تن بوده است.

- رقم تلفات جانی در همه بخش های نیروهای امنیتی رسماً ۱۴۴۵۳ تن گزارش شده است.
۵۳۷۵۳ - سرباز زخمی شدند.

۴۱۵۹۳۲ - سرباز، به دلایل اقلیمی و شرایط نامساعد بهداشتی، به بیماری های مثل زردی و یا محرقه مبتلا شدند.

خسارات مالی شوروی

۱۱۸ - هواپیما

۳۳۳ - هلیکوپتر

۱۴۷ - تانک

۱۳۱۴ - زرهپوش باربری و جنگی

۴۳۳ - توپ و راکت انداز

۱۱۳۸ - واسطه سیار مخابره

۵۱۰ - واسطه پیشقراول مثل جرثقیل، تراکتور و غیره

تلفات جانب افغان

- بیشتر از یک میلیون افغان جان خود را از دست دادند.
- ۵ - میلیون افغان (یک سوم جمعیت افغانستان) به کشورهای پاکستان و ایران فرار کردند.
- ۲ - میلیون افغان دیگر آواره شدند.
- در سال های هشتاد میلادی از هر دو مهاجر در جهان، یکی آن افغان بود.
- افزون بر کشته شدگان، ۱،۲ میلیون افغان دیگر، شامل مجاهدین، سربازان حکومت و افراد ملکی، در جنگ ها معیوب شدند.
- حدوداً سه میلیون افغان زخمی گردیدند
- در سال ۱۹۸۵ بیشتر از نیم اراضی زراعتی در افغانستان، در نتیجه بمباران و یا خرابکاری های عمدی دستگاه ها و شبکه های آبیاری، از بین رفتند.
- ۱۰ - تا ۱۵ میلیون ماین توسط نیروهای شوروی و ارتش آن وقت افغانستان به زمین فرش شدند که تا امروز هم خطر بزرگی برای افغان ها به شمار می روند... [صدای المان ۲۰۱۲/۰۲/۱۵]
- افزون بر این با جرئت میتوان گفت که ده ها هزار از بهترین فرزندان این مرز و بوم، زن و مردم، سالخورده و جوان، نوجوانان و اطفال یا در کشتارگاه های متعدد این شرف باختگان تاریخ زیر سخت ترین و وحشتناک ترین شکنجه های قرن به جاودانگی پیوستند و یا هم در پولیگون های متعدد زنده بگور گردیدند، فقط بدین منظور که اربابان روسی این حزب میهن فروش به خواسته های شوم شان برسند. این متجاوزین بی همه چیز، افغانستان عزیز ما را لقمه چربی تصور کرده بودند که می شود به آسانی فرو داد، غافل از اینکه در طول تاریخ هیچ متجاوززی قادر به آن نگردیده است. این لقمه هر متجاوززی را سخت گلو گیر است و کشنده. در مورد جنایات بی حد و مرز خلقی ها و پرچمی ها و اربابان روسی شان هر قدر گفته شود کافی نیست.
- در این حزب ساخته و پرداخته روس ها، از کوچکترین سازمانی تازه کار گرفته تا جاسوسان خادی و وادی شان و تا کمیته مرکزی و شورای انقلابی شان و هیئت رهبری و صدر هیئت رهبری شان به شمول خلقی ها و پرچمی ها، همه و همه جنایتکار، جاسوس، میهن فروش و پادوان روس های متجاوز بودند و هر آنچه از آنان در شش پارچه و هشت دسته و... باقی است، بقایای همان خودفروشان و میهن فروشان اند و من تا امروز حتی یک نفر با وجدان در بین شان سراغ ندارم که لااقل شهادت یک معذرت خشک و خالی را از ملت داشته بوده باشد. فقط روزی "فرید مزدک" در یک مصاحبه خود به اشتباهات حزب خود اعتراف کرد که بلافاصله مورد سرزنش رفقای حزبی خود قرار گرفت.
- امروز که ششم جدی است، درست ۳۷ سال از آن روز شوم میگذرد که روس ها بر کشور ما تجاوز کردند و ببرک کارمل را سوار بر تانک روسی به کابل آوردند و نام آنروز شوم و خونین و ننگین را گذاشتند "مرحله نوین انقلاب ثور"، بیائید تا همه باهم و یک صدا، فریاد بر آریم که ننگ و نفرین ابدی باد بر "حزب دیموکراتیک خلق" و بقایای شان!

زنده باد آزادی- مرگ بر اسارت